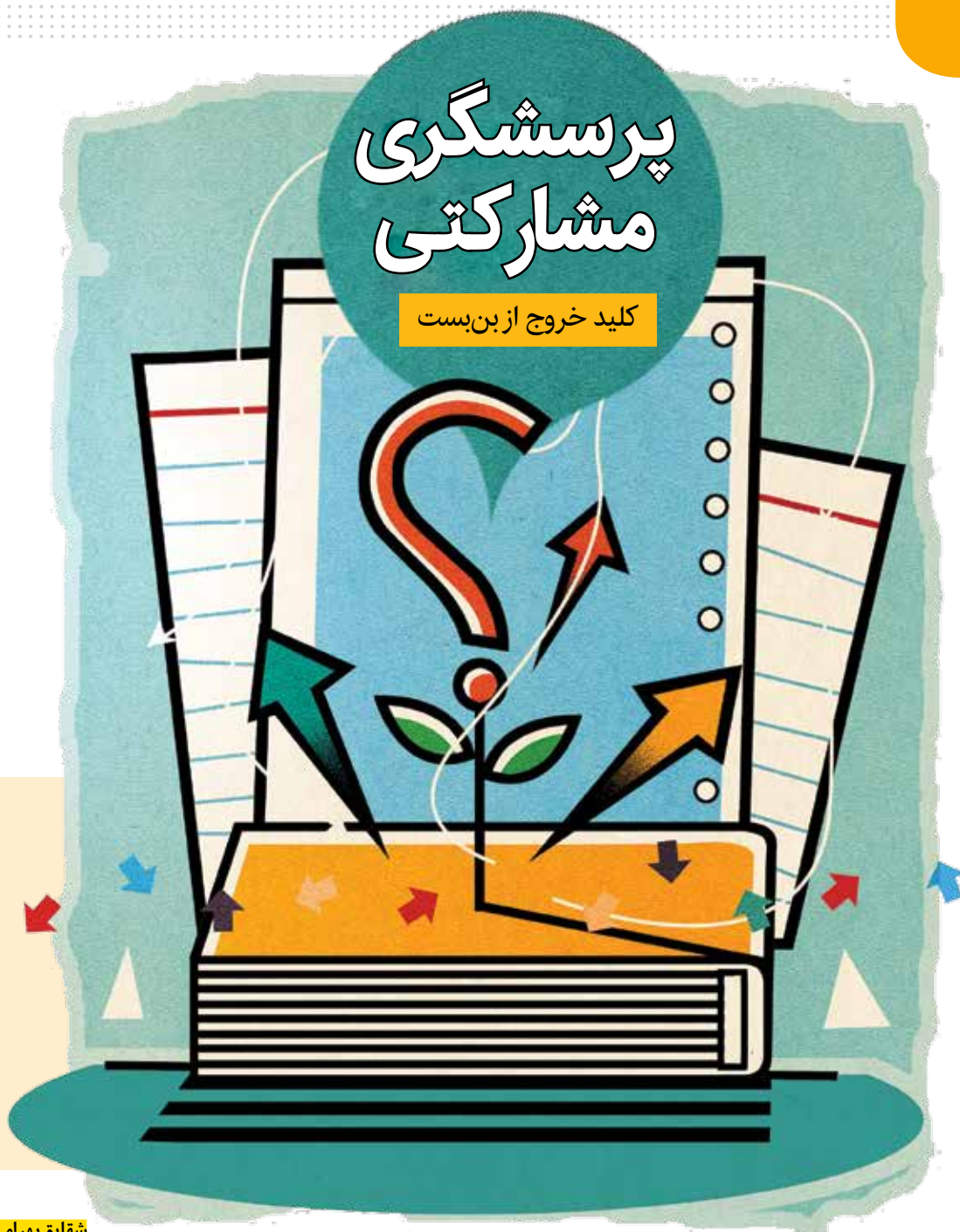


پرسشگری مشارکتی

کلید خروج از بن‌بست



شقایق بهرامی*

نصویر گر: میثم موسوی

مشابهی ندارند؟ و همان‌طور که حدس می‌زدم «نه»، به حالشان غبطه می‌خوردم. نمی‌دانم دقیقاً چطور شد، اما یک وقتی به خودم آمدم و دیدم دیگر ناظر ساکت دفتر دبیران نیستم؛ زنگ تفریح‌هایی که در کلاس نمانده بودم تا با دانش‌آموزی حرف بزنم یا فعالیت آن جلسه را همراه بچه‌ها تمام کنم، به گفتن با همکاران و شنیدن از آن‌ها می‌گذشت.

در همین گفت‌وگوها بود که فهمیدم تنها نیستم و بقیه معلم‌ها هم با مسائل مشابهی مواجه می‌شوند. آن‌ها هم خیلی وقت‌ها تنها می‌مانند و کار و بچه‌ها چنان به هویتشان گره خورده است که خیلی وقت‌ها به خاطر همین مسائل در زندگی شخصی‌شان هم

روزهای اول معلمی، مدام هیجانات مثبت و منفی متنوعی را تجربه می‌کردم، اما احساسی که بارها و بارها تکرار می‌شد، احساس تنها ماندن و واماندگی بود. باید برای مواجهه با مسائل واقعی کلاس آماده می‌شدم، ولی تنها بودم و هیچ راهی پیش روی خود نمی‌دیدم. کتاب‌ها برای دنیایی ایده‌آل نوشته شده بودند و جست‌وجو در اینترنت هم به راهکارهایی کلی ختم می‌شد که روشن بود در شرایط کلاس من، با مختصات منحصربه‌فردش، محکوم به شکست‌اند.

در دفتر دبیران که می‌نشستم، به چهره بقیه معلم‌ها نگاه می‌کردم و از خودم می‌پرسیدم، یعنی این‌ها هیچ‌کدام مشکلات

* دبیر منطقه ۱ تهران

فرایند پرسشگری مشارکتی دانش پیشین معلمان را به رسمیت می‌شناسد و آن را به کار می‌گیرد

جلسه دیگر هم بعد از آن برگزار شد و حالا که تقریباً یک سال و نیم از آن روز می‌گذرد، نزدیک به ۳۰ معلم دیگر هم به جمعمان اضافه شده‌اند و هر کدام در گوشه خودشان، با توجه به شرایط و نیازهای همکاران خودشان، کار را ادامه می‌دهند.

ما که نتوانسته بودیم در ساعت کاری مدرسه وقت آزاد مشترکی پیدا کنیم، عموماً بعد از اینکه بچه‌ها را راهی خانه می‌کردیم، دور هم جمع می‌شدیم. بارها وقتی خسته و کوفته بعد از جلسه پرسشگری مشارکتی در ترافیک گیر می‌کردم، از خودم می‌پرسیدم، مگر این معلم‌ها همان‌هایی نیستند که همواره از تعداد زیاد جلسات مدرسه‌ای شکایت می‌کردند! حالا، با اینکه تمام روز را سر کلاس بوده‌اند، یا اصلاً روز کاری‌شان نبوده است و قرار بوده خانه باشند، چه شده است که بدون هیچ اجباری حاضرند این یک و نیم یا دو ساعت اضافه را در مدرسه بگذرانند و در یک جلسه دیگر شرکت کنند؟ بعضی پاسخ‌هایی را که در کتاب‌ها و متون دانشگاهی برای این پرسش آمده و من و - تا جایی که می‌دانم - معلمان دیگری که در این جلسات شرکت کرده‌اند، آن‌ها را زندگی کرده‌ایم، برایتان آورده‌ام:

زمین گیر می‌شوند. اما همیشه تا می‌آمدیم از کلی‌گویی بگذریم و وارد جزئیات تعیین‌کننده در حل مسئله شویم، زنگ خورده بود و باید برمی‌گشتیم سر کلاس. از بخت خوش، بعضی از آن معلمان، بعدترها دوستان خوب من شدند و بسیاری بعد از ظهرها و حتی گاهی شب‌ها تا دیروقت زمان کافی داشتیم برای پرداختن به پیچیدگی‌ها و برنامه‌ریزی برای فردای کلاس‌هایمان.

هر بار که دوست معلمی کمک می‌کرد به آن احساس تنها ماندن و واماندگی غلبه کنم، یا به دوست معلم دیگری کمک مشابهی می‌کردم، در روشنی و امیدواری بعد از آن، آرزو می‌کردم هر معلمی به چنین امکانی دسترسی داشته باشد. وقتی به انتخاب درس‌های دوره فکر می‌کردم هم این آرزو برایم پررنگ بود. دوست داشتم بتوانم این امکان را برای معلمان بیشتری فراهم کنم. وقتی بالاخره کار با معلمان در قالب «پرسشگری مشارکتی» را شروع کردم، فهمیدم که آرزوی چندان محالی هم نبوده است.

اواخر آذر ۹۶ بود که اولین جلسه پرسشگری مشارکتی در مدرسه برگزار شد. ۱۶ معلم و معاون و مدیر در جلسه بودند. ده

- محتوای جلسات به‌طور مستقیم با کار معلم و مشکلات روزمره او در کلاس درس مرتبط است و برای مواجهه بهتر با آن مسائل کمکش می‌کند.
- فرایند پرسشگری مشارکتی دانش پیشین معلمان را به رسمیت می‌شناسد و آن را به کار می‌گیرد.
- فضای روانی امن جلسات، فرصت دیده شدن و شنیده شدن را برای همه افراد فراهم می‌کند.
- هر شرکت‌کننده جمع‌بندی خودش را از هر جلسه شکل می‌دهد و گرداننده جلسه یا دیگر شرکت‌کنندگان، درستی و غلط بودن چیزی را تحمیل نمی‌کنند.
- پویایی و پایداری این جلسات به این معناست که پرسشگری مشارکتی به معنی کارگاه‌هایی که بعد از چند ساعت به پایان می‌رسد، نیست و در طول سال تحصیلی به‌طور مستمر ادامه دارد. برنامه جلسات از پیش تعیین‌نشده و هر بار مطابق نیازهای شرکت‌کنندگان شکل می‌گیرد.
- ترکیب پایه‌ها (در صورت امکان دوره‌ها) و حوزه‌های آموزشی فرصتی برای خارج شدن از زمینه‌های معمول یک معلم و مواجهه با افق دیدهای نو فراهم می‌کند.

دست دارد، کمک می‌کند چارچوب گفت‌وگوی مناسبی انتخاب شود. چارچوب گفت‌وگو در واقع مجموعه‌ای از راهبردهاست که مسیر گفت‌وگو و مراحل آن را مشخص می‌کند تا بحث منسجم و هدفمند باقی بماند. این راهبردها در جلسه‌های پرسشگری مشارکتی، به منظور تسهیل یادگیری در گروه و ایجاد فضای امن گفت‌وگو، به کار گرفته می‌شوند.

در ادامه این مجموعه یادداشت‌ها، چند چارچوب کاربردی گفت‌وگو را همراه با مثال‌هایی واقعی از تجربه‌های گروهی خودمان معرفی می‌کنیم. امیدوارم شما هم به تدریج گروه پرسشگری خودتان را شکل دهید. انزوای پنهان پشت شلوغی دفتر معلمان را بشکنید و با یکدیگر و در کنار یکدیگر یاد بگیرید و یاد بدهید.

برگزاری این جلسات امکانات خاصی نمی‌خواهد، تنها تعدادی معلم علاقمند به یادگیری از هم و با هم، و فضایی برای دور هم جمع شدن. هر جلسه یکی از معلمان گروه، با پذیرفتن نقش ارائه دهنده، موضوعی را در زمان پنج تا ده دقیقه با گروه به اشتراک می‌گذارد و شواهدی از کلاس درس (مثلاً فیلم، صدا، طرح درس، کاربرگ آزمون و نوشته یا نقاشی دانش‌آموز) را نیز همراه می‌آورد. موضوع ارائه کاری است مربوط به کلاس و مدرسه، که معلم دوست دارد از تجربه‌های مرتبط همکارانش درباره آن استفاده کند. علاوه بر معلم ارائه دهنده، یک نفر گرداندن جلسه را برعهده دارد و یک نفر نیز مسئولیت مستندسازی و ثبت جلسه را می‌پذیرد. گرداننده، پیش از جلسه، علاوه بر کمک به ارائه‌دهنده برای آماده کردن محتوای ارائه، با توجه به جنس مسئله و شواهدی که معلم در



شورای مسأله کاوی

شقایق بهرامی

وقتی در مواجهه با یک مسئله دو یا چند راه به نظر تان می‌رسد که هر کدام مزایا و معایبی دارند و هیچ کدام راضی‌تان نمی‌کند، زمان مناسبی برای کمک گرفتن از همکاران، با استفاده از چارچوب مشورت، است. هدف از این چارچوب آن است که معلم ارائه‌دهنده، همراه با معلمان دیگر، به مسئله‌ای پیچیده، مرتبط با کلاس یا زندگی حرفه‌ای، عمیق‌تر فکر کند.

برای درک بهتر مراحل گفت‌وگو، متن حاضر با نمونه‌هایی از گفت‌وگوهای جلسه‌ای که در تاریخ ۱۷ اسفند ۹۵ در یک مدرسه دخترانه برگزار شد، همراه شده است. در این جلسه، هشت نفر از نیروهای آموزشی شامل معلم، معاون، مدیر، و معاون پرورشی حضور داشتند. بارهای اولی که از چارچوب‌های گفت‌وگو استفاده می‌کنید، بد نیست مراحل را روی کاغذ چاپ کنید و در اختیار گروه قرار دهید.

آغاز (۳ تا ۵ دقیقه)

- گرداننده جلسه چارچوب گفت‌وگو را مرور و ارائه‌دهنده را معرفی می‌کند و مطمئن می‌شود مستندساز برای ثبت جلسه آماده است.
- گرداننده جلسه برای شرکت‌کنندگان توضیح می‌دهد برای برگزاری بهتر جلسه ناچار است هر مرحله را در زمان مشخص شده تمام کند و اگر صحبتی به درازا کشید یا از موضوع خارج بود، آن را متوقف کند.

۱

مراحل اجرای مشورت

۲

توصیف یک دوراهی (۵ دقیقه)

- ارائه‌دهنده درباره تنگنایی که در آن قرار گرفته است توضیح می‌دهد و سؤالی را برای گروه مطرح می‌کند. نحوه صورت‌بندی این سؤال، به علاوه کیفیت بازاندیشانه ارائه، در نحوه پیشبرد گفت‌وگو مهم است. اگر ارائه‌دهنده در ارتباط با مسئله نمونه‌ای از کار دانش‌آموز، خودش، یا نوع دیگری از کار را با خودش آورده باشد، در این مرحله زمانی به بررسی این نمونه یا نمونه‌ها، به صورت فردی و در سکوت، اختصاص داده می‌شود.

۵

پرسیدن سؤالات کاونده (۱۰ دقیقه)

• شرکت کنندگان سؤالاتی کاونده از ارائه دهنده می پرسند. این سؤالات قرار است به ارائه دهنده کمک کنند فکرهايش را درباره مسئله روشن تر کند یا گسترش دهد. هدف این مرحله آن است که کمک کند ارائه دهنده به درکی بهتر از سؤالی که مطرح کرده است برسد و بتواند تحلیلی عمیق تر از موقعیتی که به اشتراک گذاشته است داشته باشد. در اینجا ارائه دهنده ممکن است به بعضی سؤالات گروه پاسخ دهد، اما بحثی در مورد پاسخ او در نخواهد گرفت. در پایان این ده دقیقه، گرداننده جلسه از ارائه دهنده می خواهد سؤال اولیه را دوباره برای گروه طرح کند.

- موضوع به گروه بندی محدود نیست، سؤال من این است که چرا آن بچه در مدرسه طرد می شود؟

- آیا همیشه فاصله گرفتن از گروه بد است؟ ممکن است آدم ها تصمیم بگیرند خودشان به تنهایی کار کنند. آیا لازم است همه کار گروهی را تمرین کنند؟

- باید ببینیم آیا دیدگاهمان «خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو» است؟ انتظار داریم بچه ها برای پذیرفته شدن مثل دیگران بشوند و ویژگی هایشان را حفظ کنند؟ چه چیز در آن ویژگی ها باعث طرد شدنشان می شود؟

- معلم ها چطور احتمال دارد این طرد شدگی را تقویت کنند؟

۴

بازتاب (۵ دقیقه)

• اعضای گروه دقایقی را به توصیف آنچه از ارائه دهنده شنیده اند، می گذرانند. اعضای گروه هر چیزی را که در خاطرشان مانده است، یک بار دیگر تکرار می کنند تا توجه همه اعضا به آن نکات جلب شود. اظهارنظرها در این مرحله الگوهایی از این دست خواهند داشت: «من می بینم که...» یا «شنیدم که ارائه دهنده گفت...».

در طول این مرحله، ارائه دهنده کاملاً ساکت است.

- من شنیدم همیشه کسی هست که طرد می شود.

- شاید با گروه بندی اجباری بچه ها را صرفاً از یک آسیب آبی مصون می کنیم.

۳

پرسیدن سؤالات شفاف ساز (۵ دقیقه)

• اعضای گروه سؤالاتی شفاف ساز از ارائه دهنده می پرسند. سؤالات شفاف ساز جواب هایی مختصر، مشخص و وابسته به واقعیت ها دارند. ارائه دهنده جواب این سؤالات را به روشنی می داند، اما به هر دلیلی، در ارائه اش به آن ها اشاره ای نمی کند. حال برای اعضای گروه ابهام هایی در مورد آن ها ایجاد شده است که در این مرحله برطرف می شوند.

• گرداننده جلسه باید مراقب باشد سؤالاتی که در این بخش مطرح می شوند دقیقاً از همین جنس باشند. اگر پرسشی ارائه دهنده را به فکر فروبرد، سؤال شفاف ساز نبوده است.

• خوب است گرداننده، در زمانی مناسب نزدیک به پایان این بخش، از شرکت کنندگان بخواهد با مکث کوتاهی مسئله را با خودشان مرور کنند که تا حد امکان چیز مهمی جا نماند.

- بچه هایی که از آن ها حرف می زنید پایه چندم هستند؟ چهارم.

- آیا با تنها ماندن در گروه بندی کلاسی، بچه ها واقعاً برای آینده بیرون از مدرسه آماده می شوند؟ ام.. نمی دانم، راستش... [گرداننده در اینجا وارد گفت و گو می شود و توضیح می دهد که این سؤال پیچیده تر از آن است که سؤالی شفاف ساز باشد].

در فعالیت های گروهی کلاس، می توانیم گروه بندی را به بچه ها واگذار کنیم یا خودمان بچه ها را به گروه هایی تقسیم کنیم. در کلاس های من، همیشه در حالت اول حداقل یکی از دانش آموزان هست که تنها می ماند. البته که این موقعیت ناخوشایند است، اما بیشتر شبیه دنیای واقعی است. در حالت دوم، با انتخاب گروه توسط معلم، کسی تنها نمی ماند، ولی مگر نه آنکه در مدرسه باید بچه ها را برای شرایط واقعی بیرون آماده کنیم؟

سؤال من این است که بالاخره درباره گروه بندی چه کار باید بکنم؟

۶

بحث درباره مسئله (۲۰-۱۵ دقیقه)

• پیش از شروع این قسمت، اگر سؤالات کاونده زیاد بودند، آن ها را مرور می کنیم.

• شرکت کنندگان درباره مسئله بحث می کنند. سؤالات کاونده ای که در قسمت قبل مطرح شدند، می توانند به گفت و گو جهت بدهند. در طول این بحث ممکن است اعضای گروه راهکارهایی پیشنهاد کنند؛ هرچند بیشتر اوقات تلاش بر این است که مسئله را به شکلی کامل تر و عینی تر تعریف کنند.

• ارائه دهنده در این مرحله صحبت نمی کند، اما به دقت گوش می دهد و یادداشت برمی دارد. البته لازم است گرداننده جلسه، هرچند وقت یک بار، از ارائه دهنده درباره جهت بحث بپرسد و مطمئن شود بحث در جهتی پیش می رود که برای ارائه دهنده مفید است.



بازاندیشی معلم ارائه‌دهنده (۵ دقیقه)

• ارائه‌دهنده در مورد آنچه شنیده و آنچه حالا با توجه به شنیده‌های تازه‌اش فکر می‌کند، بازاندیشی خواهد کرد و با گروه درباره آن مواردی حرف می‌زند که به‌طور خاص در طول بحث توجهش را جلب کرده‌اند.



بازبینی فرایند (۵ دقیقه)

• گرداننده جلسه گفت‌وگوی کوتاهی را درباره مشاهده گروه از فرایند مشورت هدایت می‌کند: این چارچوب چه کارکردی برایمان داشت؟ چه مواردی به خوبی کار کردند؟ چه چیزهایی را باید در دفعات بعدی تغییر دهیم؟

- موضوعی که قبلاً در ذهنم بود و الان باز ذهنم را مشغول کرد، نتیجه‌محور بودن کلاس‌هاست و اینکه چطور نتیجه محور بودن باعث می‌شود بعضی دانش‌آموزان آسپ‌پذیرتر شوند. البته هنوز نمی‌دانم چطور می‌شود جلوی این بچه را به معلم‌های دیگر و به مدرسه نشان می‌دهم. سعی می‌کنم این یک تناقض بزرگ است. تقسیم کار در گروه جوری است که تفاوت خیلی به چشم می‌آید و فرد به مرور به سمت طرد شدن می‌رود. آیا تقسیم کار باید طوری باشد که این تفاوت مخفی شود؟ توانایی کمتر در آن فعالیت را بیوشاند؟ برای اینکه بچه‌ها با بچه دیگر رفتار محترمانه داشته باشند، باید فکر کنند او هم مثل خودشان است؟

- چرا ارائه‌دهنده در بحث شرکت نکند؟ شاید اگر در بحث بود، به دیدگاه او نزدیک‌تر می‌شدیم.
- ولی به این ترتیب، ایده‌ها بیشتر به چالش کشیده شدند.
- پرسیدن سؤالات کاونده، بدون آنکه همان موقع جوابی بدهیم، سؤالات را در ذهنم ته‌نشین کرد. باعث شد الان فکر کنم شاید من که به فرایندگرایی معتقدم هم همین نتیجه‌گرایی را در کلاس دنبال می‌کنم.





تعليق پیش فرض‌ها در ارزیابی گروهی

شفایق بهرامی



بسیار پیش می‌آید که معلم نگران وضعیت دانش‌آموزش باشد و نداند برای کمک به او چه کار می‌تواند بکند. اگر باور داشته باشید که مسیر این کمک از بیشتر دانستن دربارهٔ دانش‌آموز می‌گذرد، استفاده از چارچوب گفت‌وگوی ارزیابی گروهی به کارتان خواهد آمد. ارزیابی گروهی راهی است برای همراه شدن با همکارانتان، تا بفهمید چه چیزی برای دانش‌آموز مهم یا جالب است، توانمندی‌هایش چیست، روی چه مسائلی یادگیری کار می‌کند و با چه چالش‌هایی روبه‌روست.

مثال‌های این نوشته از جلسه‌ای که در ۲۸ دی ۹۵ برگزار شد انتخاب شده‌اند. در این جلسه، معلم پرورشی دبستان، به‌عنوان ارائه‌دهنده، یک فیلم ده دقیقه‌ای از تعدادی دانش‌آموز که در کلاسی دور هم نشسته بودند و صحبت می‌کردند، نمایش داد. از گفت‌وگوهای بعدی آن‌ها متوجه می‌شویم که جلسه‌شان، جلسهٔ شورای دانش‌آموزی است.

۱ آغاز (۳ تا ۱۰ دقیقه)

گردانندهٔ جلسه چارچوب گفت‌وگو را مرور، ارائه‌دهنده را معرفی و اطمینان حاصل می‌کند که مستندساز برای ثبت جلسه آماده است.

■ معلم ارائه‌دهنده نمونه کار انتخاب شده را به همه نشان می‌دهد (در جایی در دسترس همه قرار می‌دهد، کپی‌هایی از آن تهیه می‌کند یا اگر فیلم است، آن را نمایش می‌دهد). معلم تا قبل از گام پنجم، دربارهٔ کار، زمینهٔ آن و خود دانش‌آموز حرفی نمی‌زند.

■ شرکت‌کنندگان کار را مشاهده می‌کنند و از وجوه مهم آن یادداشت برمی‌دارند.

۲ توصیف کار (۵ تا ۱۰ دقیقه)

«گردانندهٔ جلسه می‌پرسد «چه می‌بینید؟»

■ شرکت‌کنندگان پاسخ‌هایی خالی از قضاوت دربارهٔ کیفیت کار ارائه می‌دهند.

■ اگر قضاوتی شنیده شود، گرداننده دربارهٔ شواهدی می‌پرسد که این قضاوت بر آن اساس شکل گرفته است.

■ دو نفر اوایل جلسه یکدیگر را قلقلک می‌دادند. وسط جلسه هم یکی شروع کرد با انگشتانش بازی کردن.

■ دانش‌آموزی که مدیر جلسه بود خیلی خوب بود.

■ [گرداننده:] خوب یعنی چه؟ چه دیدی یا شنیدی که می‌گویی خوب بود؟

■ آخرش مثلاً می‌گفت صندلی‌ها را ببرید آنجا، سه تا را باید اینجا بگذارید. جای دیگر پرسید چقدر مانده، گفتند پنج دقیقه و او سریع نتیجه‌گیری کرد.

■ مستندسازی‌شان برای من خیلی جالب بود.

■ [گرداننده:] چه دیدی که مستندسازی بود؟

■ دفتری را دیدم که تاریخ‌ها و کلمات کلیدی را در آن نوشته بودند.

■ جایی که به اختلاف خوردند، دفتر را باز کردند و براساس نوشته‌های توی دفتر تصمیم گرفتند.

۳ پرسیدن سؤالاتی دربارهٔ کار (۵ دقیقه)

■ گردانندهٔ جلسه از شرکت‌کنندگان می‌پرسد: «این کار چه سؤالاتی در ذهن شما ایجاد می‌کند؟»

■ اعضای گروه سؤالاتشان را دربارهٔ کار، دانش‌آموز، تکلیف

یافعالیت و شرایط محیط می‌پرسند.

■ معلم ارائه‌دهنده می‌تواند از این سؤالات یادداشت بردارد.

■ هر چند در این گام جوابی به آن‌ها نمی‌دهد و در گام پنج نیز

اجباری برای پاسخ به آن‌ها ندارد.

■ بچه‌ها می‌دانستند جلسه دارد فیلم‌برداری می‌شود؟

■ چه برنامه‌ای را دارند آماده می‌کنند؟

■ همیشه با این اعضا جلسه دارند یا این بار به‌طور

استثنائی معاون پرورشی‌شان در جلسه نبود؟

■ معاون پرورشی‌شان در جلسه نبود؟

■ معاون پرورشی‌شان نبود یا ساکت بود؟

۴ گمانه زدن درباره آنچه دانش آموز روی آن کار می کند (۱۰ دقیقه)

ع گرداننده از گروه می پرسد «فکر می کنید دانش آموز روی چه چیزی کار می کند؟ چه چیزی را تمرین می کند؟ سعی می کند چه چیزی یاد بگیرد یا با چه چیز در چالش است؟»
ع شرکت کنندگان درباره مسائل یا موضوعاتی که دانش آموز ممکن است در آن موقعیت بر آن ها متمرکز بوده باشد، گمانه های ارائه می کنند. در اینجا می توانند بر اساس مشاهده یا مطالعه شان از کار قضاوت کنند.
■ بچه ها از اینکه به آن ها مسئولیت داده شده بود احساس خوبی داشتند. به نظرم، این احساس در استفاده از ابزارهای مسئولیتشان، مثل دفتر انجمن یا استفاده از لغات منشی و حق امضا مشخص بود. به نظرم رسید دانش آموزانی که صحبت نمی کردند، در مرحله الگوبرداری از بزرگ ترها هستند و هنوز، به هر دلیلی، به مرحله عمل و اجرا نرسیده اند. صحبت نکردن آن ها نشان مشارکت نداشتن یا فاصله داشتنشان از جلسه نیست.
■ بچه ها با قوانین کار گروهی درگیرند. آن ها همان قوانینی را که ما در کار گروهی کلاسی گوشزد می کنیم، به یکدیگر می گویند. بچه ها هم با همان مشکلاتی مواجه اند که ما به عنوان معلم موقع کار گروهی در کلاس داریم.

۵ شنیدن از معلم ارائه دهنده (۵ دقیقه)

ع گرداننده از معلم ارائه دهنده دعوت به صحبت می کند.
ع معلم ارائه دهنده نظر شخصی خودش را درباره اینکه کار را چطور دیده است می گوید. به انتخاب خودش، به بعضی سؤالات گام سوم جواب می دهد یا اطلاعات دیگری اضافه می کند.
ع همچنین، ارائه دهنده می تواند به مواردی که در گام های پیش برایش جالب توجه بودند اشاره کند.
■ سؤال اولیه من این بود که آیا این بچه ها بدون من هم می توانند گفت و گو کنند و بحث را به نتیجه برسانند یا نه؟ این شد که گفتم یک جلسه خودم سر جلسه شورا نمی روم. فیلم را که دیدم، به خاطر آشفتگی جلسه و سروصداها، با خودم فکر کردم که نه، واقعا انگار بدون من نمی توانند. اما وقتی از شما درباره تکنیک های مدیریت جلسه، یا تلاش بچه ها برای به کارگیری قوانین کار گروهی و تلاش برای مستندسازی شنیدم، انگار تازه چشم هایم باز شد که این چیزها وجود دارند و بچه ها دارند به روش خودشان سعی می کنند گفت و گو برای به سرانجام رساندن یک کار را یاد بگیرند. در مورد کوچک ترها هم احساس می کردم این ها هیچ کاری در جلسه نمی کنند، اما الان به این فکر می کنم که شاید مشغول یادگیری و الگوبرداری هستند. البته این سؤال که چطور می توانم زمینه ای بسازم تا تمام این بچه ها، گفت و گوی مؤثر در جلسه گروهی را بهتر یاد بگیرند، همچنان برایم مطرح است.

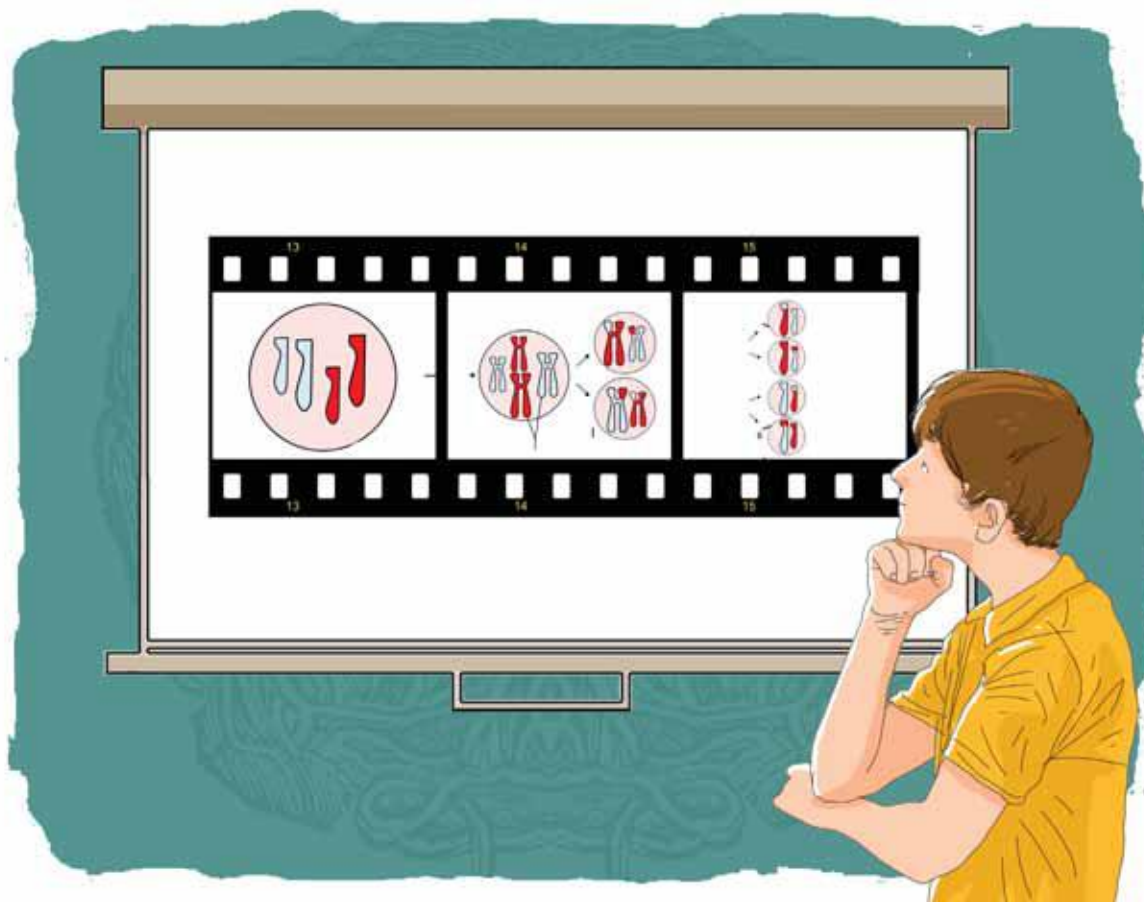
۷ بازبینی فرایند (۵ دقیقه)

اعضای گروه درباره تجربه شان یا واکنش های شان به این جلسه یا بخش هایی از آن، می اندیشند و در این باره صحبت می کنند.
■ به نظرم رسید، روش فیلم برداری بدون حضور معلم می تواند نکات ریزی را که حتی با حضور در جلسه ممکن بود از دید ما دور باشد، نمایان کند.
■ جلسه با این چارچوب گفت و گو برایم تجربه خوبی بود، از این جهت که خیلی وقت ها تصور ما این است که داریم بدون پیشداوری مشاهده می کنیم، اما در واقع پیش فرض و قضاوت با مشاهده همراه است.
■ از این چارچوب گفت و گو می توانیم در کلاس علوم استفاده کنیم. مثلا اگر بخواهیم مفهوم اصطکاک را برای اولین بار توضیح دهیم، می توانیم فیلمی پخش کنیم یا وسیله هایی مثل سطح شیب دار با جنس های متفاوت را سر کلاس ببریم و آزمایش هایی انجام دهیم. بعد بچه ها مشاهداتشان را بنویسند و روند گفت و گو و یادگیری در همین چارچوب طی شود.

۶ بحث درباره کاربردهای این جلسه در یاددهی و یادگیری (۱۵ تا ۲۰ دقیقه)

ع گرداننده جلسه از همه (شامل معلم ارائه دهنده) دعوت می کند به سؤالی که ارائه دهنده مطرح کرد فکر کنند و با توجه به آنچه از وضعیت حال حاضر دانش آموزان می دانند، تأملاتشان را درباره قدم های بعدی برای آموزش، به منظور حمایت از یادگیری دانش آموزان و ادامه مسیر با یکدیگر، به اشتراک بگذارند.
■ شاید بتوانید این فیلم را به خود بچه ها نشان دهید و درباره اش با یکدیگر گفت و گو کنید و به این ترتیب، با کمک خودشان به نقاط قوت و ضعف آن ها در گفت و گو بپردازید.
■ اگر فرصت کافی فراهم باشد، شاید بتوانیم بعد از هر جلسه با کوچک ترها صحبت کوتاهی داشته باشیم و بپرسیم چه چیز در این جلسه توجه شان را جلب کرد. این طوری راحت تر می توان مسیر یادگیری آن ها را دنبال کرد.
■ مدیر جلسه به خوبی دارد تکنیک های رهبری گروه را تمرین می کند. چطور می توانیم این فرصت را برای دیگر اعضا هم فراهم کنیم؟





یادگیری از موفقیت‌ها

شقایق بهرامی

تصویر گر: میثم موسوی

در بسیاری از جلساتی که معلمان و کارکنان آموزشی، با هدف بهبود کارشان، برگزار می‌کنند، به بررسی مسائل می‌پردازند. آنچه گاهی در این میان فراموش می‌شود، موفقیت‌هایی است که گاهی کسب شده‌اند. چارچوب گفت‌وگوی تحلیل موفقیت ساختاری است برای یاد گرفتن از تجربه‌هایی که به خوبی پیش رفته‌اند و بررسی اینکه چه اصول و ایده‌هایی در آن تجربه‌ها وجود دارند که می‌توانند برای موفقیت در فضاهای دیگر نیز به کار گرفته شوند.

بعد از هر چند جلسه، خوب است یک جلسه تحلیل موفقیت نیز داشته باشید، چون گفت‌وگو در این چارچوب، علاوه بر فراهم کردن فرصتی دیگر برای یادگیری گروهی، با یادآوری نقاط قوت، انگیزه گروه را برای ادامه مسیر حفظ می‌کند. با کمک این چارچوب می‌توانید هم تجربه‌های معلمان با تجربه را به گروه بیاورید و هم توجه و اعتماد گروه را به کار خوب معلمان تازه‌کار جلب کنید. هر چند بهترین کارها هم می‌توانند با بازخورد مؤثر بهبود یابند، هدف ما در این گفت‌وگو چنین چیزی نیست. لازم است در این جلسه فقط و فقط درباره ابعاد مثبت کاری که ارائه شده صحبت شود.

مثال‌های مورد استفاده در این نوشته، از جلسه‌ای که در تاریخ ۲۱ خرداد ۹۷ برگزار شد، انتخاب شده است. در این جلسه، معلم زیست‌شناسی متوسطه دوم طرح درس موفق را که برای آموزش مبحث تقسیم سلولی آماده و اجرا کرده بود، برای ارائه به گروه آورد.

۱

آغاز (۳-۵ دقیقه)

■ مثل همیشه، گرداننده جلسه چارچوب گفت‌وگو را مرور، ارائه‌دهنده را معرفی و اطمینان حاصل می‌کند که مستندساز برای ثبت جلسه آماده است.

۳

پرسیدن سؤالات شفاف‌ساز (۳ دقیقه)

■ اعضای گروه درباره جزئیات موفقیت سؤالاتی شفاف‌ساز می‌پرسند تا خلأهای اطلاعاتی را که برای فهم موضوع نیاز دارند، پر کنند.

■ طول هر فیلم چقدر بود؟ تقریباً دو دقیقه.

■ آیا برای بعد از کلاس هم تکلیفی وجود داشت؟ بله، فیلم‌ها را جایی در دسترس همه قرار دادم. هر کس باید برای سلولی با عدد کروموزومی به انتخاب خودش، تقسیم سلولی را رسم می‌کرد.

۲

توصیف موفقیت (۵-۸ دقیقه)

■ ارائه‌دهنده داستان موفقیتش را با جزئیات می‌گوید. اعضای گروه یادداشت برمی‌دارند و اگر ارائه‌دهنده کاری با خودش آورده باشد، نمونه‌ها را بررسی می‌کنند.

■ «سال‌های قبل من تقسیم سلولی را به شیوه سنتی درس می‌دادم. به این صورت که مرحله به مرحله را پای تخته می‌کشیدم و توضیح می‌دادم. بعد بچه‌ها تمرین‌هایی حل می‌کردند.

چند وقت پیش این طرح درس را تغییر دادم. اول توضیح دادم که هدف از تقسیم سلولی چیست. بعد یک انیمیشن درباره تقسیم سلولی نشان دادم. به بچه‌ها گفتم این فیلم را هر چند بار خواستید ببینیم. انیمیشن به زبان انگلیسی بود و زیرنویس داشت. بار اول بیشتر بچه‌ها فقط فرایند کلی را فهمیدند. بار دوم شاید جزئیات

بیشتری متوجه شدند. بار سوم گفتم، اگر متوجه فرایند شدید، به معادل انگلیسی کلمات توجه کنید. بار چهارم، بعد از هر مرحله، فیلم را نگه می‌داشتیم و از یک دانش‌آموز می‌خواستیم مرحله بعد را توضیح دهد. در آخر، سلولی با عدد کروموزومی متفاوتی تعریف کردم و از بچه‌ها خواستم مراحل تقسیم سلولی را رسم کنند. همه موفق شدند.

تقسیم میوز را هم با انیمیشنی دیگر به همین شیوه نمایش دادم. اولین سؤالی که این‌بار، بعد از چند بار دیدن فیلم پرسیدم این بود: تفاوت‌ها و شباهت‌های تقسیم میوز با تقسیم میتوز چیست؟ بعد پرسیدم: چه شد که این تفاوت‌ها ایجاد شد؟ سپس سلولی با عدد فرد دادم و خواستم مراحل میوز را برایش بنویسند.»

۴

بازاندیشی درباره داستان موفقیت توسط اعضای گروه (۱۰ دقیقه)

■ سؤالات در سلسله‌مراتبی عمیق شوند و قرار گرفته بود و به ترتیب سطوح شناختی متفاوتی را پوشش می‌داد.

■ اینکه به بچه‌ها گفته شد می‌توانند هر چند بار که بخواهند، ببینند، در همان ابتدا احساس امنیت ایجاد کرد.

■ یادگیری بچه‌ها ابتدا در طول کلاس به‌طور گروهی ارزیابی شد، اما در ادامه، به‌طور فردی هم ارزیابی شدند و معلم مطمئن شد همه یاد گرفته‌اند.

■ اعضای گروه درباره آنچه از ارائه‌دهنده شنیده‌اند بحث می‌کنند. ویژگی‌هایی از کار را که باعث موفقیت‌آمیز بودن آن شده است برمی‌شمارند و تحلیل‌های تازه‌ای از آن ارائه می‌دهند. در طول این مرحله، ارائه‌دهنده ساکت است و یادداشت برمی‌دارد.

۵

بازاندیشی معلم ارائه‌دهنده (۲-۳ دقیقه)

■ ارائه‌دهنده با مرور یادداشت‌هایش از بحث گروه، چیزهایی را که برایش جالب بوده و او را به فکر برده‌اند، مشخص می‌کند.

■ برایم جالب بود که اشاره کردید سؤالات فیلم دوم در سطح شناختی بالاتری بودند. من فقط می‌خواستم

سؤالات تکراری نباشند، اما اتفاقی که در عمل افتاد، همین بود که گفتید.

■ این را که هر چند بار بخواهید فیلم را پخش می‌کنم، به‌طور ناخودآگاه گفتم. اما درست است و می‌تواند باعث آرامش خاطر بچه‌ها شود. باید حواسم به حرف‌هایی که می‌زنم و تأثیری که روی بچه‌ها دارند، باشد.

۷

بازبینی فرایند (۵ دقیقه)

■ گرداننده جلسه گفت‌وگوی کوتاهی را درباره فرایند جلسه هدایت می‌کند: این چارچوب چه کارکردی برایمان داشت؟ چه مواردی به خوبی کار کردند؟ چه چیزهایی را باید در دفعات بعدی تغییر دهیم؟ این چارچوب یادآوری بسیار خوبی بود.

۶

بحث گروهی درباره کاربردهای این گفت‌وگو در کار آینده (۱۰-۱۵ دقیقه)

■ همه اعضای گروه (شامل ارائه‌دهنده) به اختصار می‌گویند که آنچه در این جلسه یاد گرفته‌اند چگونه می‌تواند در کارشان در آینده به کار بیاید.

■ وقتی قرار است چیزی را به‌طور

مستقیم درس بدهم، شاید کسی قبلاً بهتر از من آن را درس داده باشد؛ می‌توانم در چنین موقعیت‌هایی از محتوای آماده استفاده کنم.

■ البته باید دقت کنم که فیلم یا انیمیشن بیشتر وقت‌ها فقط می‌تواند دانش یا اطلاعاتی را منتقل کند.

می‌شدند.

■ اگر می‌گفتم کار خوبی بود ولی اگر فلان کار را هم می‌کردی بهتر هم می‌شد، در جمع این حس خوب را ایجاد نمی‌کرد. فکر می‌کنم اگر پیشنهادی هم باشد و راهی برای بهتر کردن باشد، خود ارائه‌دهنده به آن می‌رسد.

بعد از چند جلسه که درباره مسائل حرف زدیم، نیاز داشتیم یادمان بیاید کارهای خیلی خوبی هم انجام داده‌ایم. ■ من فکر می‌کنم در این جلسه مدام در حال یادگیری بودیم. اتفاقات خوبی که افتاده بود، مدام شفاف می‌شدند. به آن‌ها آگاه می‌شدیم و با بلند گفتن ملکه ذهن